



قوم شیخ محمدی افغانستان

قوم شیخ محمدی اولاده شیخ محمد روحانی است. شیخ محمد مردی بود روحانی اهل ا در قرن ۱۳ میلادی از ترس و تجاوز مغل و ترک به افغانستان هجرت نمود. در سن ۱۲۵۵ هلاکو بر علیه اعراب جنگید آنها پس از قلعه الموت بغداد را به آتش کشیده همه ساکنین را کشتند. عده اعراب به سوریه و عده نزد مملوکیان مصر و عده به طرف هند رفتند. بدین ترتیب شیخ محمد روحانی خویشتن را به بنو هند شهر سرحدی امروزی پاکستان رسانیده و در آنجا وفات یافت. بعدا مرقد او را بابر به پکتیا آورده در لسوالی زرمتم در بالای یک تپه دفن نمود.

این قوم در اکثر مناطق افغانسنان، ایالت پشتونستان و در بلوچستان پاکستان بعضی ممالک دیگر به شکل برانگنده زنده گی می نمایند. در حقیقت این قوم مردم سیار یا کوچی هستند تا حدود سی سال قبل اغلب مردم قوم شیخ محمدی خانه یا محل دایمی زنده گی نداشتند. کار این مردم گردشگری و دست گردانی می باشد. شیخ محمدی ها به زبان دری تکلم می نمایند عده هم به زبان پشتو صحبت می نمایند. دین آن اسلام دارای مذهب حنفی می باشند. این طایفه درین اواخر شورای سرتاسری قوم شیخ محمدی را تأسیس نمودند که حمایت و نمایندگی از این قوم می نمایند. رئیس این شورا داکتر محمد هاشم مسکونه ناحیه ۸ جوار مسجد تپه شیخ محمد روحانی کابل می باشد. شیخ محمدی ها در کابل در ناحیه هشتم کنار تپه شیخ محمد روحانی زندگی دارند. نفوس این طایفه در افغانستان حدود ۴۰۰۰۰ نفر می رسد. مردم قوم شیخ محمدی یک زبان مخفی بنام ادرگری دارند از این زبان تنها وقتی استفاده می کنند که کسی دیگری گفته شان را نفهمد. در حقیقت زبان اصلی این قوم است که به باد فراموشی سپرده شده اند. زنده گی مردم شیخ محمدی امروز از زنده گی مردم دیگر افغانستان فرقی ندارد در دوران جنگ داخلی پس از سال ۱۳۵۷ زنده گی بشکل کوچی بسیار مشکل بود از این سبب تقریباً همه مردم شیخ محمدی در مناطق مختلف مسکن گزین شدند.

۱. تاریخچه

مردم شیخ محمدی اولاده حضرت شیخ محمد رحمت الله علیه هستند که بنام حضرت روحانی بابا مشهور هستند مقبره مبارک حضرت روحانی بابا در افغانستان می باشد.

شیخ محمد روحانی شاه صاحب (۱۲۲۰-۱۳۰۵ م) معروف به شاه محمد روحانی شاه صاحب و روحانی بابا یک عالم صوفی بود که در حدود سال ۱۲۲۰ میلادی به دنیا آمد. مولوی که حرم او در جنوب افغانستان در شهر زرمت در ولایت بکتیا میباشد، سالانه هزاران زائر صوفی را به خود جذب مینمود، گفته می‌شود که در دوران زوال خلافت عباسی در بغداد در اواخر قرن سیزدهم میلادی به افغانستان کنونی مهاجرت کرده است. او شاگرد شیخ رکن علم معروف بود.

سقوط خاندان عباسی در بغداد در سال ۱۲۵۸ میلادی باعث مهاجرت دسته جمعی علمای اسلامی و رهبران روحانی از بغداد شد که از اثر آزار و اذیت مهاجمان ترک مغول بودند. برخی از اعضای عباسی به غرب مهاجرت کردند و سلسله مملوکیان را در مصر تأسیس کردند که تا سال ۱۵۱۹ ادامه داشت. بیشتر کادر عباسی به جنوب شرق به ایران، آسیای مرکزی، افغانستان و بخشهایی از هند مهاجرت کردند.

در میان مردم پاکستان و بخش‌هایی از غرب افغانستان، نوادگان شیخ محمد روحانی به‌عنوان «شاه»، «سید» یا «شیخ» شناخته می‌شوند تا مدعی افتخار معنوی موروثی باشند. قوم شناسان افغان نوادگان شیخ محمد روحانی را سید می‌نامند. اجداد قبیله فرمولی توسط شیخ محمد روحانی به اسلام هدایت شدند. او رهبر معنوی قبیله بانوچی بود، جایی که مولوی هنوز در آنجا بود. امروز نیز مورد احترام است.

به گفته محمد حیات خان، نویسنده کتاب معروف حیات افغانی که در دنمارک حیات بسر می‌برد، قبایل افغان، شیخ محمد روحانی و پسرش شیخ نیک بن شاه به قبیله بانوچی کمک کردند تا بر منطقه بانو تسلط پیدا کنند، زمانی که قبایل منگل و هانی از تسلط این قوم خودداری کردند. قبایل شیخ قول داد مالیات ده درصد مرسوم به دوش خاندان شیخ خود گیرد. در سال ۱۵۰۴، هنگامی که امپراتور مغول، ظهیرالدین محمد بابر، جنوب افغانستان را فتح کرد، زیارتگاه قدیس را در چشمه ای بر بالای تپه ای در زرمت بنا نهاد.

فرزندان شیخ در زمان اورنگ زیب عالمگیر، امپراتور مغول، اجازه به جمع‌آوری و تخصیص مالیات‌های محلی بودند، ولی پسر شاهنشاه بهادر شاه این روند را لغو کرد. سادات حسنی شیخان از منطقه بانو تا سال ۱۸۴۷ شش درصد مالیات بر درآمد سالانه که سر هربرت ادواردز، افسر استعماری بریتانیا، درین قبیله وضع کردمی پرداخت در زمان بابریان و درانی معاف بود. در اثر وضع مالیات‌های استعماری، تعداد زیادی از این قوم به جنوب افغانستان ارغستان و خواجه آرمان در تپه‌ها ساکن شدند. فرزندان او بنام اسماعیل زی و احمدخیل یاد می‌گردند. پسر پنجم شیخ نصرالدین بود.

حضرت روحانی بابا یگ شخصیت مقدس و مبارک بود او با قوت روحی و علمی خود مردم را از بیماری‌های مختلف شفا می‌بخشید و ایشان را در امور زنده گی یاری و مدت می‌نمود یک تعدادی از اولادهایی حضرت روحانی بابا به خصوص قبیله فقیر پیشه

حضرت روحانی بابا را به میراث گرفته‌اند و حتی امروز هم به تداوی مردم مشغول هستند.

۲. تفاوت بین کوچی و شیخ محمدی

با وجود اینکه مردم شیخ محمدی در حقیقت کوچی هستند ولی ایشان با کوچی‌ها دو تفاوت مهم با کوچی‌هایی اصلی افغانستان دارند.

الف: تفاوت اول مردم شیخ محمدی با کوچی‌هایی اصلی افغانستان اینست که ایشان همیشه نفقه زنده گی شان را از راه تجارت کسب می‌نمایند در حالی که کوچی‌هایی اصلی افغانستان مالدار هستند و با فروش شیر و ماست مقداری پول بدست می‌آوردند.

ب: تفاوت دوم مردم شیخ محمدی با کوچی‌هایی اصلی افغانستان اینست که ایشان در مسکن گاه‌هایی زمستانی و تابستانی خویش در خانه‌هایی شخصی یا کرایه زنده گی می‌کنند در حالی که کوچی‌هایی اصلی افغانستان بصورت عموم در خیمه‌ها زنده گی می‌نمایند تنها شیخ محمدی‌هایی که توان مالی کرایه گرفتن خانه را نداشتند در خیمه زنده گی می‌کردند. چون مردم شیخ محمدی مانند کوچی‌هایی اصلی مالدار نبودند می‌توانستند به آسانی به مهاجرت کردند.

در سال ۲۰۱۷، دولت افغانستان یک ولسوالی را به نام مقدس روانی بابا نامگذاری کرد. این ولسوالی در ولایت پکتیا در جنوب افغانستان قرار دارد.

شیخ محمد دو همسر پنج پسر داشت و شیخ فتح الدین شاه در بانو و غزنین ساکن شدند. اولاد او به فقیر خیل و فتح خیل معروف هستند. شیخ اسماعیل و شیخ احمد در حوضه خانه‌هایی شخصی یا کرایه زنده گی کنند از این لحاظ کوچ سالانه آنها از یک منطقه به منطقه دیگر جنبه اقلیمی نداشت بلکه یک ضرورت تجارتي بود به‌طور مثال آنها از کابل اموال وارد شده از هندوستان یا چین را می‌خریدند و انرا در لغمان یا جلال‌آباد به فروش می‌رسانند. یا مال را از یک شهر خریده به شهر دیگر ولسوالی وقریه جات می‌فروشند. این گردش تجارت هر سال تکرار می‌شد اموالی را که شیخ محمدی‌ها در قریه‌هایی دور

عرضه می‌نمایند در حقیقت چیزی جدیدی نبوده بسیاری از این اموال را مردم می‌توانستند از بازارهایی شهر هم بخرند ولی شیخ محمدی‌ها اموال خود را در بازارها به فروش نمی‌رسانند بلکه بگفته خودشان بند گری می‌کردند یعنی اموال شان را از خانه به خانه می‌بردند و بدین ترتیب اموال خویش را مستقیم به زنهایی خانه عرضه می‌نمایند که اجازه رفتن به بازار را نداشتند. با وجود اینکه شیخ محمدی‌ها در تمام مناطق افغانستان گردش می‌کردند ولی چون تعداد شان کم است برای بسیاری مردم افغانستان ناآشنا هستند این هم دلیل عمده انست که قوم شیخ محمدی در تحقیقات علمی انستیتوت‌های داخلی و خارجی خیلی کم یاد شده است. شیخ محمدی‌ها با هم ارتباطات خیلی کم دارند تا حال هیچ

کدام انجمنی وجود نداشت که همه شیخ محمدی‌ها را زیر یک سقف با هم یکجا نماید خوشبختانه اکنون با تأسیس شورای سر تا سری قوم شیخ محمدی این کمی از بین رفت.

تقسیم‌بندی قومی از روی شغل و مسکن

مردم قوم شیخ محمدی به قبیله‌ها تقسیم شده‌اند نام این قبیله‌ها اکثراً از محل زنده گی یا کسب و کار مردم این قبیله گرفته شده است ما در اینجا از چندین قبیله قوم شیخ محمدی با تشریح کوتاه نام می‌بریم.

فقیر

فقیر به کسانی گفته می‌شود که برایشان مادیات دینوی اهمیتی بزرگی ندارد آنها زنده گی خود را صرف عبادت و کمک به مردم می‌کنند قسمی که حضرت روحانی بابا این کار را کرده بود بعضی از اعضای قبیله فقیر قوم شیخ محمدی حتی امروز مانند حضرت روحانی بابا به طبابت مردم به شیوه که آنها از انرا از حضرت روحانی بابا به میراث گرفته‌اند مشغول اند آنها این طبابت را نه تنها در افغانستان بلکه حتی در کشورهای پاکستان ایران و هندوستان در خدمت مردم قرار می‌دهند

۲ چار باغی

شیخ محمدی‌هایی را می‌نامند که در منطقه چار باغ لغمان زنده گی می‌کنند

۳ نداف خیل

شیخ محمدی‌هایی را می‌نامند که کسبه ندافی را اختیار کرده‌اند.

۴ کلوخی یا قلوخی

شیخ محمدی‌هایی را می‌نامند که خانه هایشانرا از کلوخ یا گل ساخته بودند

۵ مسکوره بی

شیخ محمدی‌هایی را می‌نامند که در منطقه مسکوره لغمان زنده گی می‌کنند

۶ بتره گر

شیخ محمدی‌هایی را می‌نامند که کسبه بتره گری را اختیار کرده بودند

۷ ببر خیل

شیخ محمدی‌هایی را می‌نامند که موهای خود را بسیار دراز مثل ببر نگاه می‌داشتند

۸. طلا خیل

شاید دندان‌هایی طلایی مردم این قبیله سبب شده باشد که این قبیله طلا خیل نامیده می‌شوند با اطمینان می‌توان گفت که مردم این قبیله زرگر یا طلا ساز نبودند و نیستند.

این قبیله بندی قوم شیخ محمدی تنها در بین مردم شیخ محمدی مروج است و تنها برای شناختن سهل یکدیگر استفاده می‌شود مردم غیر شیخ محمدی این قبیله بندی را نمی‌شناسند.



مقبره سید روحانی بابا که روزانه ۳۶۰۰۰ گردشگر دارد.

منبع

۱. ویبسایت شیخ محمدی - قدامت قوم شیخ محمدی نوشته احمد محمدی

<http://shaikh-mohammadi.com>

۲. خان، محمد حیات. حیات افغانی، دانمارکی انجمن افغانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۹-۵۱۰.

۳. کتاب حورانی، آلبرت. «تاریخ مردم عرب»، کتاب وارنر، ۱۹۹۲

۴. خان محمد حیات. حیات افغانی، دانمارکی خپارندوی تولنی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۵